



نشریه ماهانه:
3rd Series, Issue 65
سری سوم، شماره 65
Juny-July 2018, خرداد و تیر ماه 97

سردبیر: مینو همتی
Editor-in-chief: Mino Hemati
Email: minohemati@gmail.com
مدیرمسئول: شراره رضایی
Managing editor: Sharareh Rezaei
Email: shararehrezaei.p@gmail.com



توجه توجه
نشریه در ماه آگوست "شهریورماه" به دلیل تعطیلات تابستانی چاپ نمی شود.

مطالب
لایحه ای که سرانجام تصویب شد ولی تغییری در وضعیت کودکان نکرد
طرح از اینلز جمشیدی برگرفته از مطالعات زنان
بحران آب و افزایش فشار برگرده زنان در حکومت اسلامی
مینو همتی
سیاسی اش نکنید!
شراره رضایی
صدای زنان مظلوم و پناهندگان بی پناه
سحر صامت
همجنس گرایی و معجزه تیغ جراحی
اصغر کامروا
مستند 5 دقیقه ای از دختران خیابان انقلاب!
بختیار پیرخضری
گزارش کوتاهی از: حمله به زندان رجایی شهر و ضرب و شتم زندانیان سیاسی
برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان با رویکرد هدف 5 از سند 2030
مریم مرادی
معضل تن فروشی در ایران
شایسته علی گلزار
معرفی کتاب "نامه های مخفی X برای A" چاپ نویسندگان نسرين پرواز
دستاوردهای اجرای سند 2030 برای زنان
قریبا مرادی پور
تشکر و قدردانی
مینو همتی
خشونت روانی علیه زنان
سحر باباسلجی
سمینار سراسری تشکل های مستقل زنان، زنان دگر و همجنس گرای ایرانی " از تاریخ ۱۸-۲۰ ژانویه ۲۰۱۹ در شهر برلین
سیاست های ماهنامه رهایی زن
صفحه خبری

- استعداد مادر سهیل عربی و افشای توطنه و طرح کثیف دستگاه قضاییه
افزایش کودکان بی سرپرست از معضلات مهم بهزیستی است
اقدام به خودکشی دختر ۹ ساله در آبادان به دلیل آزار و اذیت پیرمرد همسایه
مختومه شدن پرونده اسیدپاشی های اصفهان بدون پیدا کردن متهم
راه های تماس با سازمان رهایی زن و با نمایندگان معرفی سایت های برنامه های تلویزیونی، نشریه ها و تلگرام

لایحه ای که سرانجام تصویب شد ولی تغییری در وضعیت کودکان نکرد
طرح از اینلز جمشیدی برگرفته از مطالعات زنان



به نشریه رهایی زن ببینید
لطفا برای ارسال مقاله سیاست های نشریه مندرج در صفحه ی آخر را مطالعه بفرمایید.
برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی. از زندگی زنان (خودتان) و کودکان ..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل های زیر ارسال کنید.
Markazi@RahaiZan.org

**بحران آب و افزایش فشار برگرده زنان در حکومت اسلامی**

مینو همتی

باید تحمل کند تا روز را بشب برساند. شما که در تهران و شهرهای بزرگ و کوچک از آب آشامیدنی برخوردارید یک همبستگی ملموس و جانانه به این میلیونها زن و کودک تشنه لب مدیون هستید. شیوه اعتراضی را خود تعیین کنید ولی ماحصل باید این باشد که حاکمین بی غیرت از کشورهای کفار یاد بگیرند، این کشورها در چنین بحرانهایی از نیروهای سازمانیافته دولتی برای کمک رسانی فوری از قبیل توزیع آب آشامیدنی به مردم مناطق آسیب دیده استفاده میکنند.

این مقامات اسلامی نامسئول، نه تنها منابع بودجه تامین درازمدت آبرسانی را بگارت بردند و پروژه هایی که با بوق و کرنا و سلام و صلوات در مقابل دوربینهای تلویزیون دولتی آغاز میکنند را، هرگز به خط پایان نمیرسانند. بلکه برای سمبل کاری، هزینه هایی از قبیل خرید تانکر ذخیره آب در خانه را نیز به این اقشار زحمتکش تحمیل میکنند.

در این قسمت از برنامه توجهتان را به یک گزارش ویدیویی کوتاه درباره وضعیت آب در ایران جلب میکنم:

<https://youtu.be/AWPlkcF8W18>



آشکار زنان در دیگر نقاط ایران است. تصور کنید زنی را که صبح زود باید بیدار شود و بفکر تامین آب برای دم کردن چای، شستن دست و روی بچه ها، آب برای پخت پز و متعاقب آن لباسشویی و حمام غیره باشد، در چنین وضعیتی که از شیر آب شهرداری حکومت ولایت و قیح آب گل آلود جاریست، چه فشار عصبی دیرفرجامی را

آقایانی که قرنهای در زیر سایه سلاطین برای تشنه لبان کربلا اشک تمساح میریختند، هنگامی که به برکت جنگ سرد وارث تاج و تخت و خلافت اسلامی شیعه سیزده امامی شدند. این آقایان حاکم، به همراه آقازاده هایشان تمامی استعداد خود را خرج سازماندهی چپاول ثروت‌های ملی که متعلق به تمامی مردم این سرزمین اسلامزده است نمودند.

یکی از روشهای سرقت ثروت این مردم همانا سواستفاده از قدرت حکومتی در بگارت بردن منابع آبی و حتی صادرات آب آشامیدنی و پول آن را به جیب زدن بود و هست و این در حالیست که میلیونها زن و کو دک و پیر و جوان در خوزستان و دیگر مناطق کم آب، تشنه لبان بدنبال جرئه ای آب آشامیدنی در صحراهایی بمراتب گرمتر از کربلا حیران و سرگردان هستند.

هنوز هم آقایان حاکم در حالیکه بطریه‌های آب معدنی روی میزشان است سالی ده روز برای تشنه لبان کربلا اشک تمساح میریزند و هر گاه لازم بدانند به مردم معترض بجای آب آشامیدنی گلوله تقدیم میکنند.

براستی قومی ظالمتر و چپاولگرتر از این جماعت حاکم سراغ دارید.

آنچه در اعتراضات مردمی برای تامین آب آشامیدنی شفاف و سالم کم بود، همبستگی



جان راین حسین پناهی در خطر اعدام

است

اعدام عل شنیع سازمان یافته ی دولتی

ست

به کشتار انسان ها و نسل کشی پایان دهید

**سیاسی اش نکنید!  
شراره رضانی**



به گفته ی منابع غیر رسمی مریم فرجی دختری که چندی پیش گم شده بود می گویند توسط نامزد قبلی اش به قتل رسیده است. او را خفه کرده و در باغ خانه خواهرش دفن کرد و پلیس بعد از چند هفته جسد او را پیدا کرده است. در حالی که قبل تر گفته بودند جسد سوخته اش در داخل ماشینش پیدا شده و دی ان ای او با مریم فرجی مطابقت دارد.

مریم فرجی دانشجوی رشته مدیریت بود که در تظاهرات دیماه دستگیر و با قید وثیقه آزاد شده بود.

عده می گویند مرگ این دختر سیاسی نیست و بخاطر حرمت خانواده این موضوع را سیاسی نکنید. در کشوری که مردم از آب حرف می زنند و می گویند "آب می خواهیم، تشنه ایم" مردم را به گلوله می بندند. مگر می شود از قتل یک زن توسط یک مردی که روزی او را ناموس خود می دانسته صحبت کرد و گفت سیاسی نیست. ایا کلمه ی "سیاسی" آنقدر وحشتناک است!

مگر می تواند آب طهارت بر سر حکومتی ریخت که با تمام موجودیت زن ستیز و مردسالار است و مردی که بنام نامزدش اسبقش در آن جامعه زندگی می کند با آن تفکر مردسالار که خود را صاحب ناموسش می دادند و به همین اعتبار دست به جنایت می زند. حکومت را از این اتهام مبرا کرد.

در همین سال ها، ده ها گزارش از اسید پاشی بر روی صورت و بدن زن داده شده است. دولت در اکثر موارد می گوید انگیزه

های شخصی بوده و مسئولیتی در قبال این نوع جنایت ها برگردن نمی گیرد. در جامعه ای که ادم ها را بنام "قصاص" رسماً و طبق قانون شرعی به جان هم می اندازد و و تاکید می کند که حق انسان هاست. کسانی که می آموزند، می توانند خشم و نارضایتی خود را از جامعه، از بیکاری، از فقر ونداری و پول و یا استیصال از شخصی دیگری بگیرند و به دیگران حمله کنند خصوصاً که از مرد باشی و زن حتی نصف یک مرد هم نیست اصلاً انسان به حساب نمی آید. در جامعه ای که جنس زن بی حامی ترین موجود است.

همین امروز فیلمی منتشر شده که مردی چاقو بدست بالای سر جسد زنی ایستاده که می خواسته از شوهرش جدا شود. مرد بی هیچ عبا و وحشتی در خیابان مرتکب قتل شده و به جسد زنش گوشزد می کند که مقصر خودت بودی "من تو را دوست داشتم". ولی خودت نخواستی.

دولت به خانواده ی مقتول می گوید تو حق قصاص داری و حتی می گذارند که چارپایه ی را خانواده ی مقتول از زیر پای قاتل بکشد که هیچ انگشت اتهامی بسوی دولت نشانه نرود و این نوع قتل ها را با نام حوادث و یا انگیزه های شخصی به جامعه می قبولانند.

چند سال پیش مردی که خود رئیس یک بخش ورزشی بود به زنش اجازه خروج برای شرکت در مسابقات بین المللی را نداد و وقتی با او مصاحبه کردند گفت این حق من است و من از این حقم استفاده کردم. هیچ کدام سیاسی نیست شما جدی نگیرید. ولی همه اینها منشاء جنسیتی دارد!.

اینها نمونه هایی از هزاران مسایلی ست که نباید سیاسی شود. سیستم برای زنده نگه داشتن تفکرات ارتجاعی و نابرابری و تبعیض جنسیتی مرد و زن، پول های کلانی خرج می کند، مساجد می سازد، واعظین مفت خوراستخدام می کند و عده ای را به خدمت می گمارد تا آتش مذهب و فرهنگ مردسالار را همچنان روشن نگه دارد.

خیلی ها که اعتقاد دارند خیلی چیزها نباید سیاسی شود. می گویند ریشه ی تبعیض و نابرابری، خشونت، قتل های ناموسی ریشه در فرهنگ مردم است، سنت است، مردسالاری و عقب ماندگی مردان است و تیر پیکان اتهام را از سوی دولت بسوی جنس مرد نشانه می رود. ولی متوجه نیستند که چه کسانی از این بربریت، جاهلیت، ارتجاع سود می برد. چه کسی از مذهب، ناموس پرستی، قوم پرستی، نژادپرستی و زن و مرد علیه یکدیگر شدن، سود می برد.

حکومتی که قصاص را برای مردم مجاز می داند، پس خودش را هم محق اعدام های سازمان یافته ی دولتی می داند. حکومتی که زن و مرد را به جان هم می اندازد، به راحتی بین صوف و اتحاد مردمی، بین طبقه ی کارگر هم شکاف ایجاد کند. حکومتی که نمی تواند یا نمی خواهد امنیت زنان و در کل انسان ها را تامین کند. پس متهم است.

دوستان! شما می توانید فضا را احساساتی کنید و از این طریق اذهان عمومی را تحت تاثیر قرار دهید حتی می توانید به خودتان هم دروغ بگویند. ولی بخواهید و نخواهید موضوع سیاسی ست و حکومت ها مسئول مستقیم این گونه جنایت ها هستند.



صدای زنان مظلوم و پناهندگان بی پناه

سحر صامت



نام اش تکتم جهانگیری است متولد شهر مشهد دومین کلانشهر ایران که مرز مشترک با افغانستان دارد. او اولین حرکت اعتراضی خود را نسبت به حجاب اجباری در سن ۷ سالگی با سرباز زدن پوشیدن مقنعه آغاز و یک ماه به مدرسه نرفت، کودک بود ولی می خواست ثابت کند که دختران خودشان میتوانند انتخاب کنند پوششان را، سپس با تراشیدن موهای بلندش به اعتراض خود در این زمینه ادامه داد. در سن ۹ سالگی دست به اعتراض دوم خود زد. داستان از اینجا شروع شد که یک روز به مدرسه میرود و پس از تشکیل صفوف شاگردان، مدیر مدرسه یک تعداد از دختران را فرا میخواند و به آنها میگوید که به دلیل مهاجر و افغان بودنشان از فردا دیگر حق آمدن به مدرسه را ندارند. تکتم با شنیدن این حرف شوکه می شود چون قرار است از فردا بهترین دوست و همکلاسی اش دیگر به

صبحگاهی ایستاده بودند می گوید ما داستان مان را به هم میگیریم تا اجازه ندهیم آنها را از این مدرسه بیرون بی اندازند. او می گوید با اینکه سنم خیلی کوچک بود و معنای کلمه ی راسیست و یا نژادپرست را نمی دانستم اما این پدیده را با تمام وجود لمس کردم.

تکتم می گوید این اولین باری بود که من برای تجربه ی این پدیده "تبعیض نژادی" با تمام وجود گریه کردم.

در سن ۱۵ سالگی با ۲ دختر دیگر گروهی برای دفاع از حقوق دختران زیر ۱۸ سال مانند آگاه سازی دختران در مقابل ازدواج اجباری تشکیل دادند و شعار این گروه اینگونه بود "هر دختر می تواند یک رهبر باشد". زمانی که مدیر و مسوولان مدرسه از تشکیل و فعالیت این گروه مطلع شدند خانواده ها را برای جلسه فرا خواندند تا مانع



فعالیت های دختران خود شوند و سرانجام تمام این فشار ها باعث شد تا تکتم دست به مهاجرت اجباری بزند. او به آلمان رفت و اولین تجربه ی کاری خود را در خانه های امن زنان بدون دغدغه و اضطراب آغاز کرد. تکتم که از یک جامعه ی ضد زن آمده بود برای اولین بار کلمه ی فمینیست را لمس و درک کرد و متوجه شد تمام آن واکنش ها

و اعتراضاتی که در ایران انجام داده بود از این ایده در وجودش سرچشمه میگرفت. در سن ۲۸ سالگی به کشور سوئد مهاجرت کرد. در سال ۲۰۱۰ فارغ التحصیل رشته ی مددکاری شد و پس از آن در پایه فوغ لیسانس در شاخه سکسولوژی ادامه تحصیل داد. او در سال ۲۰۰۸ در حین تحصیل همراه با تعدادی از زنان فعال غیر سوئدی خانه ی امن زنان برای زنان مهاجر و پناهجو به نام فم سنتر را تاسیس کردند.

با تاسیس این خانه ی امن زنان مهاجر و پناهجویی که مورد خشونت های روانی، فیزیکی، خانوادگی و ناموسی قرار گرفته بودند و دسترسی به زبان سوئدی نداشته و از قوانین این کشور آگاه نبودند، تحت حمایت و جایگاهی مطمئن برای آنها ایجاد شد که با استقبال بسیار خوبی از سوی دولت سوئد روبرو شد.

از سوی دیگر تمرکز وی در سخنرانی های داخل و خارج از سوئد و همچنان مصاحبه با رسانه ها در مورد آغاز چالش های جدید برای دختران و زنان در محیط خانه و جامعه است. او تلاش می کند تا صدای رسای زنان و دختران مهاجر و پناهجو باشد.

سال ۲۰۱۵ با ورود ۱۶۰,۰۰۰ هزار پناهجو به کشور سوئد نقطه ی عطف جدیدی در فعالیت های اجتماعی تکتم آغاز شد و تا به امروز ادامه دارد. تکتم که در آن زمان رییس بخشی از سازمان ملل سوئد در شهر مالمو شهر مرزی سوئد بود، او و تعدادی از هم زمانش جزو اولین گروهی بودند که در ایستگاه قطار شهر مالمو حضور پیدا کردند و به استقبال و کمک به پناهجویان شتافتند. قشر عظیم پناهندگان اهل افغانستان که ایران را با کوله باری از تجربه های تلخ زندگی در آن سرزمین را به مقصد این سوی آنها ترک کرده و با هزاران امید به این کشور پناه آورده بودند، غافل از اینکه اداره ی مهاجرت تصمیم میگیرد با پرونده ی اکثر آنها که از کشور دوم "ایران" آمده اند سخاوتمندانه برخورد نکند و تعداد کثیری از آنها دوباره با بی سرنوشتی و سرگردانی روبرو می شوند. با ورود این پناهجویان خاطرات کودکی تکتم دوباره در ذهنش تکرار شد. تبعیض و ظلمی که در کودکی خود شاهدش بود، خاطرات تلخ تبعیض بر افغانها. ولی اینبار تکتم

میدانست که میتواند به همزبانان افغان خود که از بد روزگار یک بار دیگر دست به سفر غیر قانونی و پر چالش زده اند کمک کند. اینجا دیگر ایران نیست و سیستم دولتی مانع فعالیت ها و حمایت تکتم از همزبانان افغانستانی اش نمی شود. از سال ۲۰۱۵ تا به امروز کمک های مددکارانه ی جهانگیری بدون وقفه بوده است از گرفتن

سوئد در حال رشد است. در یکی از سخنرانیهای تکتم در پارلمان اروپا در مورد نقش زنان او چنین گفت: " ما قربانی نیستیم! هر ظلم و تبعیضی که بر ما زنان در ایران و یا افغانستان کردند، ما را قویتر و با استقامتتر کرده است، ما نست در نست هم دنیای بهتری خواهیم ساخت. حضور ما زنان مهاجر در سیاست و سیاست گردانی دیگر آرزو نیست، آرزوی ما به واقعیت پیوسته و من و امثال من پلی خواهیم شد برای زنان و دختران آینده. ما آمده ایم که بمانیم!"

در سال ۲۰۱۸ وی نامزد پارلمان سوئد شده و همچنان کاندیدای شهرداری مالمو در جنوب سوئد است.

تکتم به عنوان یک زن فعال و فارغ از انواع تبعیض برای حقوق زنان کودکان و پناهجویان در سوئد می جنگد و برای رسا کردن صداها نیاز به حمایت ما دارد.

رای به تکتم رای به عدالت است.

<https://www.facebook.com/oktam.jahangiry>

### تمرکز تکتم در مسایل پناهجویان روی زنان و کودکان است.

در چرخه طاقت فرسای تمرکز تکتم در مسائل پناهجویان روی زنان و کودکان است. در چرخه طاقت فرسای پناهندگی، زنان و کودکان آسیب پذیرترند و این تمرکز را میتوان به خوبی در حرکت های سیاسی تکتم لمس کرد. تکتم

در سخنرانیهایش صدای زنان و دختران مهاجر و حضور زنان و دختران مهاجر را در جامعه سوئد نه تنها امری مهم میداند بلکه بصورت امری ضروری به تصویر میکشد. نطفه آرزوی

رییس جمهور شدن و حضور در سیاست که در نوجوانی کشته شد برای تکتم، اینجا در



وکیل تا سازماندگی برای تظاهرات و تحصن و غیره در سمت جنوب سوئد.

در مدت این چند سال جهانگیری روز ها و شب های بی شماری را در تحصن کنار نوجوانان افغان برای بلند کردن صدایشان به عنوان یک مددکار در این سرزمین و نجات جانیشان از کشته شدن، جنگ و بدبختی در افغانستان ماند و تلاش کرد که تا حدی هم در زمینه ی متوقف کردن اخراج اجباری تعدادی از نوجوانان کشور جنگ زده بی به نام افغانستان موفق است.

در سال ۲۰۱۷ جزو اعضای هیات رییس "رفوجی ولکم" سازمان شد و از طریق این سازمان به پناهجویانی که به دلیل اخذ جواب منفی از اداره ی مهاجرت و همچنان دریافت نامه ی ترک خاک به گونه ی مخفی زندگی می کنند، کمک می کند. در طول این مدت آمار زنان پناهجوی تازه وارد که مورد خشونت قرار گرفته اند افزایش یافته و تکتم به عنوان یک مددکار و مدرس مبارزه با خشونت های خشونت های خانوادگی و یک سکسیولوژیست زنان بشمار افغانستانی را تحت حمایت خود قرار داده است و برای تعدادی از آنها به گونه ی رایگان تدریس

## خوانندگان و نویسندگان عزیز

ماهنامه رهائی زن در ماه اوت منتشر نخواهد شد.

مقاله های ارسالی در ماه سپتامبر منتشر خواهند شد.

تعطیلات تابستانی خوشی را برایتان آرزو داریم!



**همجنس گرایی و معجزه تیغ جراحی  
اصغر کامروا**



دهه هاست که همجنس‌گرایی از زمره‌ی «بیماری‌ها» (در علم پزشکی و در علم روانشناسی از رده «انحرافات جنسی» خارج شده است. به تبع این امر، قوانین جزایی اکثر کشورها، همجنس‌گرایی را جرم‌زدایی کرده و حتی اجازه‌ی ازدواج به زوج‌های همجنس‌گرا داده و ازدواج آن‌ها را مثل ازدواج زوجین غیر همجنس، رسمی و دارای اثر حقوقی مشابه ازدواج‌های غیر همجنس‌ها شناخته‌اند.

حکومت‌های ایدئولوژیک، چه از نوع مذهبی و یا غیر مذهبی آن، جدال عمیقی با مقوله‌ی همجنس‌گرایی و همچنین همجنس‌گرایان داشته و دارند. در تعالیم مذهبی ادیان مختلف، تنها نوعی از رابطه‌ی جنسی که منجر به تولد و تداوم نسل انسان شود، مورد احترام و حتی تقدس است و هر گونه روابط جنسی غیر از این، مذموم و حرام است.

بر همین اساس، محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد، دو رئیس‌جمهوری منتسب به هر دو جناح اصلی سیاسی جمهوری اسلامی، در سخنرانی‌های خود، همجنس‌گرایی را عملی گناه و مستوجب مجازات سنگین دانسته‌اند. حتی محمود احمدی‌نژاد در یک کنفرانس مطبوعاتی در خارج از کشور و در مقام پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران در مورد وضعیت همجنس‌گرایان در ایران، اظهار داشت که ما در ایران همجنس‌گرا نداریم! در آلمان هیتلری نیز به تاسی از ایدئولوژی حاکم بر آن دوره و همچنین کلیساها، در قوانین کیفری، مجازات سنگینی برای همجنس‌گرایان در نظر گرفته شده بود. اما

پس از اصلاحات انجام شده در دهه‌ی هشتاد میلادی در قوانین کیفری و مدنی، در آلمان نیز مثل سایر کشورهای اروپایی، از همجنس‌گرایی در قوانین مجازات، جرم‌زدایی شد.

پس از تغییر حاکمیت سیاسی در ایران در سال ۱۳۵۷، کلیه‌ی قوانین، خاصه قانون مجازات، از شرح شیعه‌ی اثنی عشری اقتباس شد و برای تمام اعمال جنسی خارج از چهارچوب ازدواج شرعی، مجازات‌های بسیار سنگینی همچون اعدام، سنگسار و زندان و شلاق در نظر گرفته شد. در طول سی و هفت سال حاکمیت جمهوری اسلامی، بسیاری از انسان‌ها به خاطر عمل و حتی انگیزه‌ی جنسی مجازات شده‌اند. در این میان، حکم شدیدترین مجازات‌ها، برای همجنس‌گرایان صادر و اجرا شده است.

در قانون مجازات اسلامی ایران، مجازات‌ها به چهار قسم تقسیم شده‌اند: حدود، قصاص، دیات و تعزیرات.

در قانون مجازات اسلامی اخیر التصویب ایران (۱۳۹۲) مواد ۲۳۳ الی ۲۴۱ به مجازات همجنس‌گرایی اختصاص یافته است. ماده ۲۳۳ قانون مجازات اسلامی که در ارتباط با تعریف همجنس‌گرایی مردان که در فقه به «لواط» (مصطلح است، مقرر می‌دارد: لواط عبارت است از دخول اندام تناسلی مرد به اندازه‌ی ختنه‌گاه در دبر انسان مذکر است. ماده‌ی ۲۳۴ قانون مجازات ذکر شده در مقام بیان مجازات همجنس‌گرایی مردان (لواط) مقرر داشته است: حد لواط برای فاعل، در صورت عنف، اکراه و یا دارا بودن شرایط احصان، اعدام و در غیر این صورت، صد ضربه شلاق است. حد لواط برای مفعول در هر صورت (وجود یا عدم احصان) اعدام است.

شاید علت شدت مجازات مفعول نسبت به فاعل، ریشه در تفکرات مردسالارانه و یا تفوق طلبانه داشته باشد. چرا که در تفکر برخی انسان‌ها، مفعول یک رابطه‌ی جنسی، خاصه در رابطه‌ی جنسی بین دو انسان مذکر، برای مفعول شناخت «زشتی و بدی» قائلند و برای برای فاعل افتخار!

اما فارغ از این رویکرد واپس‌گرایانه، در رابطه‌ی جنسی چه در میان انسان‌های مذکر و چه در میان انسان‌های مونث، نمی‌توان قائل به «فاعل» و «مفعول» و «برنده» و «بازنده» شد. اگر یک رابطه‌ی جنسی توأم با عشق و تمنای دو طرفه باشد، فاعل و مفعولی موضوعیت نداشته و اگر بردی (لذتی) هست هر دو طرف در آن سهیم هستند. در تبصره‌ی ذیل همین ماده آمده است: در صورتی که فاعل غیر مسلمان و مفعول مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است

قاعدگی نفی سبیل:

{ قاعده‌ای اسلامی است که هرگونه تسلط کفار بر مسلمانان را در هر زمینه‌ای از جمله سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، جایز نمی‌شمارد }

مقررات این تبصره از «قاعده‌ی نفی سبیل» پیروی کرده است. قاعده نفی سبیل، تاکید بر عزت اسلامی است. سبیل در لغت به معنی راه است اما در معنای اصطلاحی به معنی قانون و شریعت است. مفهوم قاعده نفی سبیل این است که خداوند در قوانین و شریعت اسلام هیچ‌گونه راه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمین را باز نگذاشته است و هر گونه راه تسلط کافران بر مسلمانان بسته است. پس در هیچ شرایطی تسلط کفار بر مسلمانان جایز نیست.

بنابراین، قانونگذار ایران که حتی در عمل جنسی نیز معتقد به «تسلط» است، کافر «مسلط بر مسلمان» «مستحق عدم رافت اسلامی دانسته است.

بدون دخول جنسی نیز، عمل جنسی دو انسان مذکر در قانون مجازات اسلامی، مستوجب کیفر است. این نوع عمل جنسی را در فقه اسلامی، تفخیز { { { لاپایی } } } می‌نامند.

ماده‌ی ۲۳۵ قانون مجازات اسلامی، در این خصوص مقرر می‌دارد: تفخیز { { { لاپایی } } } عبارت است از قرار دادن اندام تناسلی مرد بین ران‌ها یا نشیمنگاه انسان مذکر است.

تبصره‌ی ذیل ماده‌ی ۲۳۵، دخول کمتر از ختنه‌گاه را در حکم تفخیز { { { لاپایی } } } عنوان کرده است. اما ماده‌ی ۲۳۶ قانون مذکور و در مقام بیان مجازات تفخیز { { { لاپایی } } } بیان می‌دارد: در تفخیز، حد فاعل و مفعول صد ضربه شلاق است و از این جهت فرقی میان محسن و غیر محسن و عفو و غیر عفو نیست.

تبصره‌ی ذیل همین ماده، باز هم از «قاعده‌ی نفی سبیل» تبعیت کرده و با نگرشی مردسالارانه و تفوق طلبانه، فاعل غیر مسلمان را مستحق مجازات اعدام دانسته است. تبصره‌ی ماده‌ی ۲۳۶: «در صورتی که فاعل غیر مسلمان و مفعول مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است».

**به سازمان رهایی زن پیوندید و مقالات خود را با**

**موضوعات زنان و کودکان برای ما ارسال کنید**

**مستند ۵ دقیقه ای از دختران خیابان انقلاب!  
بختیار پیرخضری**



این یکی از کارهای کوتاهم در دانشگاه است که در سالن پخش فیلم دانشگاه هم نمایش داده شد. هیچکدام از استادان و دانشجویان نمی دانستند که جنبش چپ و کمونیستی در ایران قوی است و این اتفاقات مثل همین دختران انقلاب نتیجه چهل سال مبارزات کمونیستها است. اکثرا فکر میکردند این تحولات نتیجه رفرم و اصطلاح طلبی است و در جامعه آنها دست بالا را دارند. یعنی همان خط و جهت میدیای راست که با بمباران تبلیغاتی بر ذهنیت جامعه تاثیر میگذارد. رسانه ای کردن تحولات رادیکال و آشنا کردن جامعه جهانی بخصوص فعالین چپ و آزادیخواهشان از مبارزات واقعی زنان و

دهها نفر که در اعتراض به این قتل جمع شده اند که آن را رسانه ای کنند هیچ عکس العملی نشان نمیدهد. اما وقتی کمتر از ده از اصلاح طلبان و کارمندان خودشان که برای برجام در میدان مرکزی لندن جمع شده بودند گزارش تهیه کرده و آن را در سایت شان منتشر کردند. سرفه یک آخوند برای اینها از قتل دهها فعال کارگری مهمتر و در اولویت قرار دارد.

حدود دو هزار نفر جنازه کورش بخشنده را در سنج با سرود انترناسیونال و ستاره سرخ به خاک سپردند اما با وجود اینکه ویدئوهای آن مراسم را داشتند حاضر به پخشش نشدند. دهها مثال از این قبیل موجود است و برای ما کمونیستها واضح و روشن است چرا پوشش نمیدهند. گله ای هم نداریم میدانیم که اینها ضد آزادیخواهی و عدالت خواهی هستند.

خطاب من به آن دسته از کسانی است که هنوز ماهیت واقعی این رسانه ها را نشناخته اند و گول زرق و برق این رسانه ها که با هزینه های دهها میلیون دلاری در سال تامین میشود را میخورند.

امیدوارم ما خودمان در آگاه کردن جامعه جهانی کوشا باشیم و دست همدیگر و جنبش مان را بگیریم.

شر کردن همچین ویدئوهایی به نفع شخص من نیست بلکه به نفع کل جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی است که من هم بعنوان جزئی کوچک از آن مبارزه و فعالیت میکنم.

<https://www.youtube.com/watch?v=TYIUYYtPXr0&feature=youtu.be>

طبقه کارگر که در حال وقوع است وظیفه تک تک ماهاست. رسانه های پر بیننده ضد کمونیست امثال بی سی، صدای آمریکا، من و تو، ایران اینترنشنال و... واقعیت جامعه را پوشش نمی دهند. همین قضیه دختران خیابان انقلاب را به اصلاح طلبان حکومتی ربط دادند و بعضا آن از دست آوردهای روحانی معرفی کردند. مبارزه با حجاب اجباری را نه مسیح علینژاد شروع کرد و نه کمپین یک میلیون امضا و... بلکه ما کمونیستها با هزینه دادن آن را شروع کردیم و ادامه میدهیم.

در اواخر دهه هفتاد که برای اولین بار روز جهانی زن در ایران در سنج با آتش زدن روسری و برداشتن روسری ها برگزار شد اینها در دم و دستگاہای حکومت بودند. سالهای بعد هم که مراسم های رادیکال و بزرگ روز جهانی زن و علیه خشونت که در سنج، مریوان، تهران، کرج، قزوین، سقز و... برگزار میشد هیچ رسانه ای آن را پوشش نمیداد. در سال ۱۳۸۶ حدود صد نفر از دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و طیف چپ و کمونیست دستگیر و تحت شکنجه قرار گرفتند و چند نفر از آنان زیر شکنجه و بعد از آزادی یا جان باختند یا خودکشی کردند اما هیچ رسانه غیر کمونیستی که خودشان را هم مستقل معرفی میکنند آن را پوشش نداد. بعد از یکسال دو تا مصاحبه با رهبران داب انجام دادند. زمانی که شاهرخ زمانی را در زندان کشتند ما فعالین چند حزب و سازمان کارگری رفتیم مقابل ساختمان بی بی سی و گفتیم بی بی سی فاری باید خجالت بکشد که حاضر نیست از

**حمله به زندان رجایی شهر و ضرب و شتم زندانیان سیاسی**

زندانیان داعش که برای آزار و تهدید زندانیان سیاسی به سالن ۱۰ انتقال داده شده اند، در هواخوری به آنها حمله کردند. در پی این حمله، دست راست سعید شیرزاد شکسته، مچ پای لقمان مرادی در رفته، کمر ارش صادقی جراحت برداشته و سایر زندانیان نیز آسیب دیده اند.

مسئولان زندان رجایی شهر مدتی است ۵ عضو خطرناک داعش را که از جمهوری آذربایجان، چین و عراق هستند، به دلیل درگیری و ایجاد خطر برای زندانیان داعشی دیگر از آنها جدا کرده اند و به سالن ۱۰ بند ۴، در کنار زندانیان سیاسی که مغضوب مسئولان زندانند، منتقل کرده اند.

در طول درگیری که یک ربع طول کشیده، داعشی ها با آجر و میله به زندانیان دیگر حمله کردند که به شکستن دست سعید شیرزاد، در رفتن مچ پای لقمان مرادی و زخمی شدن سایر زندانیان منجر شد. ماموران زندان به هواخوری ریختند و زندانیان سیاسی را به داخل سلول انتقال دادند اما از درمان خبری نیست.

تهدید جانی زندانیان سیاسی سکولار از سوی مسئولان زندان با استفاده از زندانیان خطرناک القاعده، طالبان و داعش پیش از این نیز سابقه داشته است.

دو هفته پیش اعضای داعش یکی از زندانیان مسیحی، ابراهیم فیروزی را در راه پله می گیرند و می گویند خونت مباح است. چون مسلمان بوده ای و مسیحی شده ای. هوشنگ رضایی به دفاع از او برمی خیزد و این دلیل درگیری امروز بوده است.

هوشنگ رضایی امروز با جسم تیز بر گلویش از سوی زندانی داعشی مورد حمله قرار گرفته و دو جای گلویش دچار جراحت جدی شده است.

طبق اصل تفکیک جرایم، زندانیان سیاسی باید دور از چنین افرادی نگهداری شوند.



برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان با رویکرد هدف 5 از سند 2030

مریم مرادی



12- استفاده امن از منابع: تضمین مصرف پایا و الگوهای مصرف.

13- اقدام درباره آب و هوا: اقدامات فوری برای مبارزه با تغییر آب و هوا و عوارض ناشی از آن.

14- اقیانوس‌ها، دریاها و منابع دریایی برای توسعه پایا.

15- استفاده پایدار از زمین: حفظ، بازیابی و بهبود استفاده پایا از اکوسیستم‌های خاکی، مدیریت پایا جنگلها، مبارزه با بیابان‌زایی، متوقف کردن یا معکوس کردن روند تخریب زمین و متوقف کردن روند از دست رفتن تنوع زیستی.

16- صلح و عدالت: ارتقای جوامع صلح‌آمیز و فراگیر برای توسعه پایا، فراهم کردن دسترسی به عدالت برای همه و ساخت موسسات کارآ، قابل اعتماد برای همه و در همه سطوح.

17- همکاری‌ها در توسعه پایدار: تقویت ابزارهای پیاده‌سازی و احیای همکاری‌های جهانی برای توسعه پایا.

اکنون با در نظر داشتن هدف پنجم از اهداف سند 2030 به بررسی موضوع برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان می‌پردازیم:

**هدف 5- برابری جنسی: به برابری جنسی برسیم و تمامی دختران و زنان قدرتمندتر گردند.**

توانمندسازی زنان، که توانمندسازی جنسیتی نیز نامیده می‌شود، تبدیل به یکی از موضوعات مهم مورد بحث در دو زمینه توسعه و اقتصاد شده‌است. تمامی جوامع، مشاغل، انجمن‌ها و احزاب از پیاده‌سازی برنامه‌ها و سیاست‌هایی که نظریه توانمندسازی زنان را اتخاذ می‌کنند منفعت می‌برند. در پرداختن به مسائل حقوق بشر و توسعه، یکی از دغدغه‌های اصلی این روند توانایی‌بخشی یا قدرت‌دهی است. «رویکرد توسعه و قابلیت‌های بشری»، «اهداف توسعه هزاره» و دیگر رویکردها/اهداف معتبر همگی به توانایی‌بخشی و مشارکت به‌عنوان قدمی ضروری اشاره می‌کنند که به یک کشور اجازه می‌دهد بر موانع مرتبط با فقر و توسعه فائق آید.

چرا توانمندسازی زنان و دختران مهم است؟ در اکثر اسناد و گزارشهایی که در ارتباط با اهمیت توانمندسازی زنان تهیه شده، از اسناد سازمان ملل تا بانک جهانی یا مقاله‌های علمی تقریباً همه متفق القول هستند که توانمندسازی زنان به چند دلیل عمده اهمیت دارد:

□ نقش زن در حفظ و مدیریت نهاد خانواده و تربیت نسل آینده

و تنوع قومی، فرهنگی و زبانی و نیز بر مسئولیت مشترک و پاسخگویی استوار است.

**اهداف اصلی توسعه پایدار مورد توافق ۱۹۳ کشور عبارتند از:**

1- بدون فقر: به تمام انواع فقر در هر کجا باشد پایان دهیم.

2- بدون گرسنگی: به تمام گرسنگی پایان دهیم، به امنیت غذایی و تغذیه سالم برسیم، و کشاورزی پایا را ارتقاء دهیم.

3- سلامتی مطلوب: زندگی سالم را تضمین کنیم و برای همه در همه سنین سطح سلامتی را بهبود بخشیم.

4- کیفیت آموزش: آموزش با کیفیت برای همه میسر و مساوی باشد و فرصتهای یادگیری برای همه در تمام طول عمر فراهم شود.

5- برابری جنسی: به برابری جنسی برسیم و تمامی دختران و زنان قدرتمندتر گردند.

6- آب سالم و بهداشت: آب تصفیه شده و سالم در دسترس همه قرار گیرد و امکانات بهداشتی برای همه فراهم باشد.

7- انرژی ارزان و تجدیدپذیر: دسترسی به منابع انرژی ارزان، مطمئن، پایا و مدرن برای همه فراهم شود.

8- کار و اقتصاد خوب: رشد اقتصادی پایا، فراگیر و با ثبات

9- زیرساخت خوب و نوآوری: ساخت زیرساخت مقاوم، ارتقای صنعت پایا و عمومی، و ارائه نوآوری.

10- کاهش نابرابری: کاهش نابرابری در کشورها و بین آنها.

11- شهرها و جوامع پایدار: شهرها و اقامتگاه‌های بشری را عمومی، امن، مقاوم و پایا سازیم.

ابتدا لازم میدانم تا درباره سند 2030 یونسکو و اهداف آن بیشتر بدانیم:

سند ۲۰۳۰ یونسکو، مجموعه‌ای از اهداف هستند که به آینده مربوط می‌شوند. رؤسای دولت‌ها، نمایندگان بلندپایه نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد و جامعه مدنی در سپتامبر ۲۰۱۵ گرد هم آمدند و در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دستورکار توسعه پایدار ۲۰۳۰ را تصویب کردند. این دستورکار که جایگزین اهداف توسعه هزاره شد، شامل ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه است که نقشه راه جامعه بین‌المللی را در زمینه توسعه پایدار برای پانزده سال آینده ترسیم می‌کند.

به گفته بان کی‌مون، دبیر کل سازمان ملل متحد: «این دستورکار وعده‌هایی است که توسط رهبران کشورها به مردم سراسر جهان داده شده‌است. این سند دستورکاری برای مردم، پایان بخشیدن به فقر در همه اشکال آن و برای کره زمین، خانه مشترک ماست.»

اهداف این دستورکار باید از اول ژانویه ۲۰۱۶ در کشورها عملیاتی شوند و راهنمای تصمیمات ما برای پانزده سال آینده قرار گیرند. همه ما باید برای اجرای این دستورکار با توجه به ظرفیت‌ها و واقعیت‌های ملی و سطوح توسعه در کشورهای خود و احترام به سیاست‌ها و اولویت‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی کار کنیم. این اهداف توسط سازمان ملل تعریف شده‌اند و به عنوان اهداف جهانی برای توسعه پایدار ترویج شده‌اند. از ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ اجرا می‌شوند. این دستور کار، بر اصول کرامت و حقوق بشر، عدالت اجتماعی، صلح، شمول اجتماعی و حفاظت



□ ایجاد اعتماد به نفس در زنان و آشنایی با حقوق فردی و اجتماعی  
 □ شکوفا شدن فعالیت‌های اقتصادی تنوع رویکردها و سالیق در شیوه‌های مدیریتی  
 □ خروج از چرخه فقر  
 □ افزایش سطح آموزش در جامعه و کنترل و دسترسی به منابع  
 □ ارتقای سطح بهداشت  
 □ شنیده شدن صدای زنان در تصمیم‌گیریها  
**ابعاد مختلف توانمندسازی زنان**  
 ابعاد مختلف توانمندسازی زنان کدامند و وقتی می‌گوییم توانمندسازی، منظورمان دقیقا توانمندسازی در چه زمینه ای است؟  
 اصولا باید در نظر داشته باشیم که فرایند توانمندسازی چند جانبه است. بنابراین یک گروه نمیتواند ادعا کند که یک گروه دیگر را توانمند میکند بدون اینکه تغییری در خودش ایجاد شود. اما سطح توانمندسازی نیاز به بررسی بیشتر دارد. معمولا با این که توانمندسازی با نیت خیرخواهانه انجام میشود اما کمتر پیش می‌آید که به همه ابعاد آن پرداخته شود:

#### بعد اجتماعی

این بعد از توانمندسازی، معمولا از طریق آموزش و سیاست‌های عمومی به دست می‌آید و زنها را از شر آزار و اذیت، سوء استفاده، و فشارهایی که باعث و مانع میشه که از تمام ظرفیت هایشان استفاده کنند، آزاد میکند.

#### بعد اقتصادی

منظور سطحی از توانمندسازی است که در نتیجه آن زنان قادر میشوند خودشان در رابطه با منابع خودشان تصمیم‌گیری کنند و وضعیت معیشتی خود و خانواده‌شان را تعیین کنند.

#### بعد سیاسی

توانمندسازی سیاسی لزوما به معنی مشارکت سیاسی نیست، بلکه منظور حضور زنان در تصمیم‌گیریها در هر سطحی خانواده، جامعه، مدرسه است. به عبارتی، شنیده شدن صدای زنان در تعیین سیاست‌هایی که بتواند در زندگی‌شان اثر بگذارد.  
 این سه بعد توانمندسازی با هم مرتبط هستند. توانمندسازی اقتصادی به زنان در توانمندسازی سیاسی کمک میکند. توانمندسازی سیاسی به زنان اجازه میدهد کنترل سیاست‌هایی را که به نفع وضعیت اقتصادی‌شان است در دست بگیرند. توانمندسازی اجتماعی آنها را قادر می‌سازد که در اقتصاد و سیاست مشارکت کنند، که این خود موجب حضور آنها در جامعه میشود. متأسفانه بسیاری از زنان به این طریق توانمند نمیشوند.  
 شاید به همین دلیل، زنانی را میشناسیم که از لحاظ اقتصادی توانمند هستند، اما از حقوق

#### سطح فردی

نوع نگاه زنان به وضعیت و شرایط خودشان نیز در بسیاری مواقع یکی از بزرگترین و مهمترین چالشها و موانع موجود در مسیر توانمندسازی است. شناخت ناکافی افراد از خودشان و آشنا نبودن با تواناییهای بالقوه و اهمیت حضورشان در جامعه، مانع رشد اعتماد به نفس در آنان میشود و پایین بودن اعتماد به نفس به عنوان مانعی در مسیر توسعه و پیشرفت این افراد در زمینه‌های مختلف عمل میکند. برای مثال: بعضی خانمها کنترل همسرشان را دوست دارند، از نظر عرف گویا این جا افتاده است.  
 راه حل‌های عملی برای مواجهه با چالشهای موجود چه هستند؟  
 همان طور که موانع در سطوح مختلف طبقه بندی میشوند، راه حلها را هم میتوان در سه سطح بررسی کرد:

#### در سطح سیستم

در سطح سیستم، میتوان با زمینه سازی و ایجاد فرصتهای برابر برای مشارکت و حضور زنان و دختران در فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و افزایش مشارکت بیشتر زنان.

#### در سطح فردی

از جمله راهکارهای توانمندسازی در سطح فردی، میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

- اطلاع رسانی و آگاه سازی در مورد حقوق فردی و اجتماعی زنان
- آموزش پیش دبستانی تا دانشگاهی به زنان و تمام گروههای سنی و جنسی دیگر در سطوح مختلف و برای بخشهای مختلف مانند بخش خصوصی، دولتی و دانشگاه
- در سطح فردی، آموزش و آگاه سازی میتواند برای همه گروههای اجتماعی، بسیار مؤثر باشد. افراد باید با کمک هم بتوانند اصلاحاتی در قوانین، هنجارهای اجتماعی یا هر ساختاری که مانع پیشرفت زنان شده انجام دهند. جامعه هم باید برای زنان فرصتهایی برای رشد و شکوفایی ایجاد کند.

#### واکنش مسئولین ایران نسبت به سند 2030

رهبر ایران اولین نفری بود که به این موضوع اعلام موضع کرد، وی در دیدار با معلمان گفت: «اینجا، مبنا اسلام است، مبنا قرآن است؛ اینجا جایی نیست که سبک زندگی معیوب و پرانگرس فاسد غربی بتواند در اینجا این جور اعمال نفوذ کند.  
 سید علی خامنه ای این‌گونه سندها را مخالف تاریخ و فرهنگ برخی کشورها از جمله ایران دانست و همچنین در مورد الزام آور بودن یا نبودن آن گفت: «یکی از کارهای استادان است؛ سند 2030 باید تبیین شود.»

ادامه در صفحه ی 14

اجتماعی و سیاسی خود مطلع نیستند. از سویی زنانی را میشناسیم که از لحاظ اجتماعی لیبرال هستند، اما از لحاظ اقتصادی نتوانسته اند مستقل باشند و به همین دلیل توان کافی برای تأثیرگذاری بر سیاستها و تصمیم‌گیری را ندارند.  
 مهمترین چالشها و موانع توانمندسازی زنان چیست؟

بسیاری از موانع موجود در مسیر توانمندسازی و تساوی زنان در تاروپود فرهنگ برخی ملل و جوامع خاص بافته و نهفته شده‌اند. بسیاری از زنان این فشارها را حس می‌کنند، در حالی که بسیاری از آنها عادت کرده‌اند همانند موجودی پست‌تر در مقایسه با مردان دیده شوند یا با آنها رفتار شود. حتی اگر مردان، قانون‌گذاران، سازمان‌های مردمنهاد و دیگران از منافع مشارکت و توانمندی زنان آگاه باشند، بسیاری از آنان از تغییر وضعیت فعلی واهمه دارند و اجازه می‌دهند هنجارهای اجتماعی مانعی در راه پیشرفت و توسعه باشند.

موانعی که برای توانمندسازی زنان وجود دارد معمولا در سطوح فردی، نهادی و سیستمی قابل بررسی هستند.

#### سطح سیستمی

این موانع عمدتا نتیجه باورهای رایج و رویکردهای فرهنگی و سنتی موجود در جامعه هستند. همین طور سیاست‌های کلی، هنجارها و ارزشهای اجتماعی و یا ساختارهای سیاسی که هر یک به نوعی مانع پیشرفت زنان میشود. برای مثال: رویکرد خانواده‌ها نسبت به نحوه حضور دختران در جامعه یا انتظار جامعه از نحوه حضور پسران در محیطهای عمومی.

#### سطح نهادی

میزان شناخت سازمانهای تسهیل‌گر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی جامعه مورد نظر، و نوع رویکرد و دیدگاه این سازمانها ی مداخله‌گرمانند یک شمشیر دولبه عمل میکند. همانطور که میتواند سازنده باشد میتواند مانع و مخرب هم باشد. برای مثال یک سازمان تسهیل‌گر که برای انجام یک پروژه توانمندسازی وارد یک منطقه یا محل میشود، اگر شناخت درستی از ارزشهای فرهنگی و اجتماعی و حساسیتهای افراد آن محل نداشته باشد، علاوه بر این که در برقراری ارتباط دچار مشکل میشود، ممکن است به دلیل ناکافی بودن شناختی که از محیط دارد، برنامه‌هایی فراتر و یا کمتر از ظرفیتهای موجود طراحی کند که در نهایت یا موجب دلسردی مجری از حضور در محل و یا شکست پروژه بشوند و یا موجب سلب اعتماد افراد از مجری.

## معضل تن فروشی در ایران

## شایسته علی گلزار



بر اساس تحقیقات دو جامعه شناس، خانم‌ها ژاله شادی طلب و سلیمی وضعیت تن فروشی در ایران، به سمت آذیرخطر کشیده شده است.

در دهه های اخیر با گسترش جوامع سرمایه داری، ظهور تبلیغات و تکنولوژیهای جدید، روحیه لذت طلبی، تنوع طلبی و در نتیجه انحرافات اخلاقی، تن فروشی در جهان افزایش پیدا کرده است و جامعه ایران هم درگیر این بحران شده است. این پدیده در همه دوره های تاریخی و از گذشته وجود داشته و یک بحران و معضل جهانی است. بعد از انقلاب، به ویژه در سالهای اخیر، رشد این قضیه را در تهران و دیگر شهرها میبینیم که به صورت یک چالش و مسأله فرهنگی و اجتماعی مطرح است. که در واقع یکی از عوامل عمده آن فقر است و مبارزه برای گسترش اشتغال زنان، یکی از جدی ترین، راههای مقابله با این معضل است. در مجموع، سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، مشکلات، نابسامانیها، سطح فرهنگی و گرایشات مذهبی خانواده، عوامل فردی و خانوادگی هستند که بر این پدیده تاثیرگذارند. امروزه، صنعت فرهنگی به واسطه گسترش تکنولوژیهای ارتباطی به این مسأله دامن زده و علاوه بر بعد سودآور آن، تاثیرات زیادی بر فرهنگ جامعه داشته است. در جامعه کنونی فقر به قدری شدت پیدا کرده که برخی از زنان را میبینیم که با اجبار همسر و یا با اجبار والدین برای تامین مخارج زندگی، تن به این کار دادند. از شوهرانی میخواهم صحبت کنم که برای تامین مواد، زنان خود را در اختیار مردانی قرار میدهند که خود انتخاب کرده اند. اکثر

آنها معتاد هستند و یا سابقه اعتیاد دارند و درصد زیادی از آنها همسرشان زندانی هستند. بخشی از آنها، افراد معتقدی هستند که صیغه میکنند و عده ای هم دختران طرد شده از خانواده، در قالب خانواده های مذهبی و معتقدی هستند که پس از تن فروشی روی بازگشت به خانه را ندارند. متأسفانه خیلی از متاهل هایی را میبینیم که بخاطر مشکلات اقتصادی و فقر، تن به این کار میدهند که کمک خرج خانه باشند. بر اساس آمارهایی که در نشست معاونت زنان ریاست جمهوری ارایه شده، خانم ژاله شادی طلب و مینو محرز و تعدادی دیگر از کارشناسان امور اجتماعی آمارهایی دادند که مشخص کرده جامعه ایران رو به سمت فضایی وحشتناک در حرکت است. شرایط بد اقتصادی کشور و اجرای دقیق و کامل اسلام ناب محمدی در سالهای اخیر، یکی از دلایل مهم تن فروشی بوده است.

وقتی آمار درستی وجود ندارد پس مبارزه با آن بی نتیجه است و مهم ترین دلیل بی نتیجه بودن آن حکومت است که آنها به جای اینکه با این معضل مبارزه کنند، با زنان عادی که مشکلی ندارند و زندگی معمول خودشان را دارند و احتمالاً فقط حجابشان ممکن است مشکل داشته باشد مبارزه میکنند و طبیعی است که وقتی با روشنفکران، با هنرمندان و مردمی که مشکل ندارند مبارزه میکنند، روز به روز تعداد مجرمان و دزدان بیشتر میشود. توجه به این موضوع در ایران از سوی نهادهای رسمی با نوعی سهل انگاری همراه بوده و جلوی تحقیقات علمی در این زمینه گرفته شده است. و از سوی دیگر، نتایج تحقیقات ارایه شده با آنچه تا کنون درباره واقعیت های جامعه ایران تصور می شد، تفاوت هایی دارد و با پاک کردن صورت مسأله نه تنها آسیب ها، کم نشد بلکه روز به روز بدتر هم میشود. چند سال قبل قانونی تصویب شد مبنی بر اینکه زنان مطلقه و بیوه میتوانند مستمری پدر فوت شده شان را دریافت کنند، به شرط آنکه ازدواج مجدد نکنند. پیش از آن این قانون تنها شامل دختران ازدواج نکرده میشد، در بهمن ماه امسال بدون اطلاع قبلی حقوق 46 هزار زن مستمری بگیر سازمان بازنشستگی نیروهای مسلح قطع شده و اعلام شد که مشمولان باید ثابت کنند که بیمه جای دیگری نیستند و حقوقی دریافت نمیکند. اکثر زنان از مستمری سازمان تامین اجتماعی محروم شدند. بر اساس تحقیقات حاضر، ضعف وضعیت اقتصادی و فقر که در ایران بیداد میکند، تحصیلات پایین، فرار از خانه، اعتیاد به مواد مخدر، وضعیت نامناسب خانوادگی طلاق و جدایی و خشونت والدین،

ازدواج توأم با اجبار والدین در سنین پایین، اختلاف سنی زیاد زوجین با یکدیگر تأثیر بسزایی در اقدام به تن فروشی دارد که مهمترین آن فقر است.

خط قرمز کشور آنقدر؛ در این حوزه زیاد است که متخصصان و کارشناسان نمیدانند چه کنند. در سال 1392 عنوان شد که این معضل، قابل رسیدگی نیست مگر اینکه شاکی خصوصی داشته باشد یا مشهود باشد. به تفاوت رفتار قانون در مورد این پدیده نگاه میکنیم که بسیاری از زنان هستند که به دلیل داشتن روابط نامشروع، حتی اس ام اس یا بیرون رفتن با مردی دیگر در صورت شکایت همسر، محکوم شدند و دادگاه برای، آنها حد مشخص کرد و یا شلاق خوردند و حتی سنگسار می شوند.

چرا تن فروشان در حاشیه امن قانون هستند؟ چون سرمایه داران و حاکمیت از آن سود می رود و چون دولت مسئولیتی در قبال خانواده های بی بضاعت و زنان بی سرپرست که شغلی ندارد نمی خواهد متقبل بشود و چون نام اسلام و دین را یدک می شکد نه بصورت متمرکز مثل زمان حکومت گذشته که مکان هایی برای فروش سکس بود بلکه امروز در کل جامعه پخش هستند و آمار دقیقی از این افراد داده نمی شود.

این معضل، بعنوان یک آسیب اجتماعی از انحرافات است که تمامی ابعاد جامعه را تهدید میکند و علاوه بر آثار و پیامدهای منفی، در سطح فردی و خانوادگی، در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی معضلات زیادی را برای جامعه دارد. مهمترین آسیبهایی این پدیده متوجه هویت زنان است. در جامعه ای که تن فروشی رواج دارد نگاه به زن، یک نگاه جنسی است.

این نگاه از یک طرف تحقیر کردن یک زن را به همراه دارد و از طرف دیگر هویت انسانی و اجتماعی و کرامت اخلاقی و انسانی را تهدید میکند و به نوعی نقض حقوق شهروندی است. اگر بخواهیم با این معضل مبارزه کنیم به خیلی عوامل بستگی دارد ابتدا باید قانون تجاوز به کودک که با نام ازدواج دختران 13 سال است تغییر پیدا کند کودکان قربانیان اصلی جامعه هستند بنابراین ممنوع کردن ازدواج های اجباری کمک میکند که تا حدی این معضل پایین بیاید. حکومتی که زن ستیزی بخشی از ایدئولوژی رسمی آن شناخته شده است بیشتر مورد حمله این قضایا است. در حالی که این امکان را برای مردان به صورت غیر علنی میبینیم به شیوه هایی مثل: چند همسری و یا صیغه فراهم کرده و آزاد است. نظام جمهوری اسلامی متأسفانه فقط به دنبال

پنهان کردن این قضایا است و چون آمار آشکاری در مورد این معضل نداریم پس نمیتوانیم به درستی به دنبال راه حل باشیم که باعث کاهش آن شود.

اولین قدم امکان دست یابی به شغل و تامین منابع درآمد برای زنان است که از وظایف هر دولتی ست تا شهروندان را در رفاه و زندگی مناسبیت تامین کند. فقر زدایی، کارآفرینی، سامان دادن و بازپروری برای دختران و زنانی که مکانی برای زندگی ندارند، دولت موظف است همه شهروندان را از منابع و ثروت جامعه تامین کند تا حرمت و کرامت انسانی، انسان ها رعایت شود.

## معرفی کتاب "نامه های مخفی X برای A" چاپ شد!

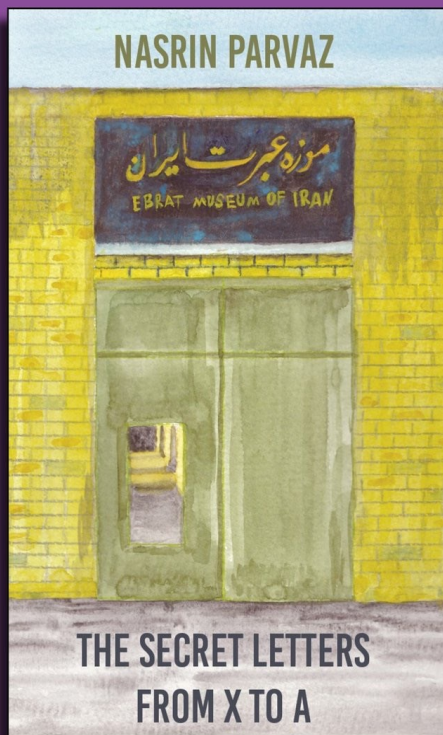
نویسنده نسرين پرواز



The Secret Letters from X to A by Nasrin Parvaz

A Victorina Press Publication

Launch 17th July 2018 - 6:30pm to 8:00pm



When Faraz accepts his uncle's offer for a summer job converting one of Tehran's prisons into a museum of the repressive rule of the Shah, he understands too late that this will mean destroying all evidence that the present regime, the Islamic Republic of Iran, has also tortured and executed prisoners there. Haunted by the treachery of what he is required to do, Faraz discover a series of secret notebooks written by Xavar, a young pregnant woman interned there in 1984, and Faraz realises that there is a way to redeem the situation.



Photograph © Milan Swanderlik, London, UK

Owl Bookshop  
207 - 209 Kentish Road  
Kentish Town  
London  
NW5 2JU  
020 7485 7793

For more information get in touch at: victorinapress@gmail.com  
or visit our website: www.victorinapress.com

You can also follow us on facebook  twitter  and Instagram   
Adderley Lodge Farm, Adderley Road, Market Drayton, Shropshire, TF9 3ST

این کتاب رمانی است در رابطه با کمیته مشترک ضد خرابکاری که جمهوری اسلامی بیست سال از آن برای شکنجه مخالفانش استفاده کرد. حالا نامش موزه عبرت است و در آن همه وسایل شکنجه را می توانید ببینید. رژیم مدعی است که هرگز از آن استفاده نکرده و تنها رژیم شاه از این زندان برای شکنجه آزادیخواهان استفاده کرده است! در حالی که من یکی از هزاران نفری هستم که در آنجا شکنجه شدم. من 6 ماه اول دستگیریم را یعنی از پائیز سال 1361 تا بهار سال 62 در این بازداشتگاه بودم. حالا عبرت اش کرده اند و بچه ها را به آنجا می برند که ببینند و بدانند اگر علیه رژیم به پا خیزند چه بر سرشان خواهد آمد. ولی دیدیم و باز هم خواهیم دید که مردم عبرت نمی گیرند.

این کتاب می تواند برای جوانانی که دهه شصت را ندیدند جالب باشد. لینک کتاب را برای دوستانتان بفرستید. مرسی،

نسرين

رونمایی کتاب در لندن در روز 17 جولای، ساعت 6:30 تا 8 در آدرس زیر می باشد

[209-207 Owl Bookshop  
Kentish Town Rd London  
NW5 2JU](https://www.victorinapress.com/product/the-secret-letters-from-x-to-a/)

قیمت کتاب 10 پوند است و آنرا می توانید از طریق آمازون نیز بخرید.

[https://  
www.victorinapress.com/  
product/the-secret-letters-  
from-x-to-a/](https://www.victorinapress.com/product/the-secret-letters-from-x-to-a/)

[http://  
www.nasrinparvaz.org/](http://www.nasrinparvaz.org/)

**دستاوردهای اجرای سند 2030 برای زنان**  
**فریبا مرادی پور / فعال حقوق زنان و عضو کانون دفاع از حقوق بشر در ایران**



تدوینگران "دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار" یا همان "سند 2030" معروف به خوبی دریافته اند که هیچ توسعه ای بدون در نظر گرفتن زنان و برنامه ریزی برای توانمندسازی آنان پایدار نخواهد بود از اینرو در جای جای سند اهداف خرد و کلانی به این منظور گنجانده شده است. این نوشتار با اشاره به این اهداف و ذکر مشکلاتی که بانوان ایرانی با آنها دست به گریبانند، یادآوری می کند که اجرای سند 2030 میتواند در برطرف کردن این موانع و مشکلات یاریگر زنان کشورمان باشد. هدف اصلی 5 به صورت خاص و ویژه توسعه پایدار جامعه را با اجرای اهدافی برای توانمند سازی زنان دنبال میکند و اما در سایر اهداف فرعی در بخش های دیگر نیز اهداف خردی برای زنان منظور شده است؛ به عنوان نمونه:

**"هدف اصلی 3: تضمین زندگی توام به سلامت و ترویج رفاه برای همه و در تمامی سنین"**

3-7- تضمین دسترسی جهانی به خدمات بهداشتی و درمانی در حوزه مسایل جنسی و باروری از جمله در زمینه تنظیم خانواده، آموزش و اطلاع رسانی و ادغام بهداشت باروری در برنامه ها و راهبردهای ملی"

در حال حاضر تنها گروهی که در ایران در زمینه بهداشت جنسی آموزش میبینند دانشجویان دانشگاهها هستند؛ به عبارتی تنها یک گروه خاص از مردم در معرض آموزش بهداشت جنسی قرار میگیرند. هرچند بر محتوای این آموزش و حتی زمان ارایه آن (بعد از سن 18-19 سالگی و در دانشگاه) نیز ایرادات زیادی وارد است. از طرف دیگر آموزش فراگیری برای جلوگیری از بارداری وجود ندارد، سقط

در دسترس و ایمن؛ بویژه برای زنان و کودکان، سالمندان و معلولان تا سال 2030" همه شمولى اماکن عمومى مبحثى است که به هیچ وجه در شهرهای ایران مورد توجه قرار نگرفته است و منجر به خانه نشینی و حذف گروه پرشماری از حضور در جامعه شده است و معلولان و سالمندان و زنان اصلی ترین قربانیان آن هستند. یک نمونه ملموس و آشکار آن حذف زنان از سالنهای ورزشی و ورزشگاهها به بهانه نبود زیرساختهای فرهنگی و فنی لازم در ورزشگاه هاست. با فرض اینکه این ادعا درست باشد مطالبه سند 2030 ایجاد همین زیرساختهاست، خواسته ایی که زنان ایرانی هم با جدیت آنرا مطالبه میکنند. به عنوان نمونه ایی دیگر میتوان به مناسب نبودن فضاهای شهری منجمله پارکها و پلهای عابر پیاده برای تردد زنان در اوقات مختلف شبانه روز اشاره کرد؛ موضوعی که خانم خداکرمی عضو شورای شهر تهران هم به آن اشاره کرده و اذعان کرد که زنان تهرانی امن سازی فضای های عمومی شهر را مطالبه کرده اند.

**"هدف اصلی 5: دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران."**

1-5- پایان دادن به همه اشکال تبعیض علیه زنان و دختران در همه جا"

در راستای دستیابی به این هدف میتوان بسیاری از قوانین نابرابر را نشانه گرفت قوانین ازدواج و طلاق و حضانت فرزند و تعیین محل سکونت و روابط و وظایف و حدود و اختیارات اعضای خانواده، قوانین مالکیت و تقسیم ارث و .... ناگفته پیداست که اصلاح این قوانین نابرابر که در متن قانون اساسی و قوانین مدنی و جزایی ایران وجود دارد چه بار عظیمی از بی عدالتی و حق کشی بر علیه زنان جامعه را بر طرف خواهد کرد.

**"2-5- ریشه کنی همه انواع خشونت علیه زنان و دختران در حوزه های عمومی و خصوصی، از جمله: در زمینه قاچاق انسان و سوءاستفاده های جنسی و غیره..."**

در این زمینه لازم به یاد آوری است که از حدود 18 سال قبل که رایه "لایحه منع خشونت علیه زنان" مطرح شد تا کنون حتی یک صفحه از متن این لایحه و یا مراحل نگارش آن رسانه ایی نشده است و تنها خبری که در این زمینه داریم واکنش برخی از مقامات خودی نظام و البته درجهت نکوهش و تقبیح این لایحه و محتوای منتشر نشده آن بوده است. در ماههای اخیر خانم جلودار زاده نماینده تهران در مجلس در اظهار

جنین نیز ممنوع بوده و سیستم پزشکی در این زمینه هیچ کمکی نمیتواند به زنان ارایه دهد. به همین دلیل امروزه شاهد اخبار نگران کننده ایی در خصوص آمار نوزادان معتاد هستیم بطوریکه مدیر کل دفتر مبارزه با مواد مخدر خبر داده است سالانه حدود 7500 نوزاد معتاد در ایران به دنیا می آیند. اخبار تولد نوزدان معتاد و پدیده های جدید کودک فروشی و نوزاد فروشی که هر روز در حال ازدیاد هستند همگی دال بر نیاز جامعه به آموزش بهداشت جنسی و باروری است.

**"هدف اصلی 4 - تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت یادگیری مادام العمر برای همه"**

4-1- تضمین اینکه همه دختران و پسران تا سال 2030 دوره های آموزش ابتدایی و متوسطه را بصورت کیفی، منصفانه و بدون پرداخت هیچ گونه شهریه به طور کامل و با دستیابی به نتایج موثر در حوزه یادگیری به پایان برسانند."

به طور کلی دسترسی به آموزش ابتدایی رایگان برای کل کودکان در ایران وجود ندارد؛ در همه شهرها حتی شهرهای کوچک و فقیر مرزی نیز- بدلیل کمبود فضای آموزشی- مدارس غیر انتفاعی وجود دارد که دانش آموزان با صرف هزینه در این مدارس مشغول تحصیل هستند از اینرو در شهرهای مرزی و عمدتاً کم درآمد ایران روز به روز به آمار دخترانی که ترک تحصیل میکنند افزوده میشود. فقر فراگیر در این مناطق اجازه نمیدهد که خانواده ها هزینه های تحصیل فرزندانشان را تقبل کنند و متأسفانه بستر فرهنگی نامناسب نیز دختران را اولین قربانی این فقر میکند. بر طبق اظهارات معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش تنها نیمی از دختران دانش آموز در مناطق و شهرهای مرزی ایران به مقطع متوسطه وارد میشوند. پر واضح است که نیم دیگر نه تنها از تحصیل باز میمانند که بایستی در تامین درآمد برای خانواده همکاری کنند و یا اینکه تن به ازدواجهای زودهنگام بدهند که خود سرآغاز مشکلات بسیار دیگری میشود.

**"هدف اصلی 11- تبدیل شهرها و سکونتگاه های انسانی به مکانهای همه شمول و امن و مقاوم و پایدار"**

7-11- فراهم کردن امکان دسترسی همگانی به فضای های عمومی و سبز، همه شمول،

نظری جالب علت این همه تعلل در ارایه لوایح "حمایت از کودکان" و "منع خشونت علیه زنان" را بی سوادی کارشناسان دولت و مجلس و قوه قضاییه برای تدوین این لوایح عنوان کردند! به این ترتیب برای کاهش خشونت علیه زنان و کودکان لااقل در 18 سال اخیر هیچ اقدامی انجام نشده است و برنامه ای هم برای آینده وجود ندارد. مگر اینکه باسوادانی معجزه آسا در کنار هم جمع شوند و اقتدار و اختیار تدوین و تصویب این لوایح را داشته باشند و کار را به سرانجام برسانند و گرنه با روند فعلی - بدلیل عدم وجود طرح و برنامه هدف دار و زمانبندی شده- هیچگاه در سطح قانون گذاری قدمی برای زنان و کودکان برداشته نخواهد شد.

"3-5- ریشه کنی همه اقدامات زیانبار مانند ازدواج کودکان، ازدواج در سنین بسیار پایین و ختنه زنان"

بر طبق آمار بهزیستی کل کشور بیش از 15 هزار دختر بیوه یا مطلقه زیر 15 سال در کشور وجود دارد. بر طبق آمار دیگری از سازمان ثبت احوال کشور" از سال 83 تا 93 بالای 420 هزار دختر زیر 15 سال ازدواج کرده اند". در حال حاضر با استناد به ماده 1041 قانون مدنی که میگوید: "عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن 13 سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به 15 سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی، به شرط رعایت مصلحت و با تشخیص دادگاه صالح" شاهد ازدواج کودکان در سطح گسترده هستیم. جدای از اینکه سن قانونی تعیین شده هنوز بسیار پایین است، کماکان و با اذن ولی و با تشخیص شخص رییس دادگاه (که قاعدتا یک فرد متخصص در زمینه حقوق است و نه متخصص روانشناسی و یا جامعه شناسی) عقد ازدواج انجام میشود. بعلاوه در شهرهای مرزی و روستاهای دورافتاده هم ازدواجهایی صرفا بر پایه عقد شرعی و نه عقد قانونی و ثبت شده - بدون هیچ منع قانونی- انجام میگردد. و اما چه اقدامی در راستای کاهش آمار ازدواج کودکان انجام شده است؟ هیچ. سال گذشته طرح "کاهش سن ازدواج" را در مجلس داشتیم که به جایی نرسید و طرح و برنامه دیگری در این زمینه در دست اقدام یا بررسی نیست.

"4-5- به رسمیت شناختن و ارج نهادن به مراقیتهای داخل منزل و خانه داری (کار در منزل) و کار بدون دستمزد از طریق: تأمین خدمات عمومی، ایجاد زیربناها و تنظیم سیاستهای حفاظت اجتماعی و ترویج مسئولیت مشترک در منزل و در محیط خانواده، تا حدی که مقررات ملی اجازه دهند."

جا دارد در اینجا به "طرح بیمه زنان خانه

دار" که آن هم سابقه حدود 18 سال خاک خوردن و بلا تکلیفی دارد اشاره شود. از آنجا که رفع مشکلات این زنان (که در واقع همان رفع نیازهای اولیه زندگی آنان و کودکانشان است) هیچگاه الویت مسولان نیست قاعدتا هیچوقت بودجه ایی هم برای آن در نظر گرفته نخواهد شد. رسیدگی به بانوان خانه دار و بخصوص بانوان سرپرست خانوار در واقع همین تأمین خدمات عمومی است که در این بند سند به آن اشاره شده است.

"5-5- تضمین مشارکت کامل و مؤثر زنان و در اختیار قرار دادن فرصتهای برابر با مردان (برای انتصاب به مسئولیتهای بسیار بالا در همه سطوح تصمیم گیری در حوزه های سیاسی، اقتصادی و همچنین در زندگی."

بر اساس گزارشهای "مجمع اقتصاد جهانی" ایران همواره در بین بدترین کشورهای دنیا از نظر میزان برابری دو جنس قرار دارد، بخصوص در زیر شاخص های "مشارکت سیاسی" و "مشارکت اقتصادی". به عنوان مثال گزارش سال 2017 این مجمع نشان میدهد که ایران از نظر زیر شاخص "برابری مشارکت نیروی کار" در رتبه بسیار پایین 143 (در بین 144 کشور دنیا) قرار گرفته است. همچنین ایران در زیر شاخص "دریافت حقوق برابر به ازای کار برابر" نیز در جایگاه ضعیف 99 جهانی قرار گرفته است زیرا زنان ایرانی به ازای کار برابر با مردان تنها 58 درصد حقوق آنان را دریافت میکنند. از طرف دیگر ایران

در شاخص "قدرت سیاسی" به دلیل داشتن تعداد معدود زنان در مجلس و نداشتن هیچ وزیر و استاندار زن در رده پایین 136 ام دنیا قرار داشته و از نظر امتیازی هم فاصله زیادی با سایر کشورهای دنیا دارد. برای کاهش نابرابری در بین دو جنس در شاخصهای اقتصادی و سیاسی نه تنها برنامه و طرحی وجود ندارد بلکه در زمینه اقتصادی روز به روز عرصه بر زنان تنگ تر و سخت تر میشود.

در نهایت به نظر میرسد سندی به مانند سند 2030 و اجرای آن با توجه به اینکه اسنادی شفاف و با اهدافی کاملاً مشخص و زمانبندی شده هستند تأثیر زیادی بر زنان کشورمان داشته باشند چرا که لوایح پراکنده و به سامان نرسیده و طرحهای ضربتی و کوتاه مدت که هر از چند گاهی با توجه به تب و تاب جامعه و یا حال و هوای روز جامعه به میان میآیند هیچگاه نه به سرانجام میرسند و نه نهادی برای پیگیری و نهایگی شدن آن مسول و متولی است و نه نتایج آنها مورد پایش و ارزیابی قرار میگیرند. اینها همان فاکتورهای هستند که در به ثمر رسیدن یک طرح یا نقشه مؤثر و مثمرند و در سند 2030 به خوبی گنجانده شده اند و چه بسا ترس جمهوری اسلامی از تصویب و اجرای چنین اسنادی هم ناشی از همین برنامه های مدون و تعیین و گزارش مراحل پیشرفت کارهاست که منجر به رسوایی در عرصه داخلی و خارجی میشود چرا که در قالب چنین برنامه هایی میزان بی عملی حکومت مشخص خواهد شد.

## سیاس



در هفته های اخیر پیامهای محبت آمیز شما بینندگان،

همکاران، همزمان و دوستان عزیز را دریافت کردم.

با عرض پوزش از اینکه قادر نشدم تاکنون از محبتهای شما

سپاسگذاری کنم. بدینوسیله نهایت تشکر خود و خانواده ام را از

محبت همه عزیزان که تسلی بخش ما در اندوه از

دست دادن مادر عزیزمان بود، ابراز میداریم.

با سپاس فراوان - مینو همتی

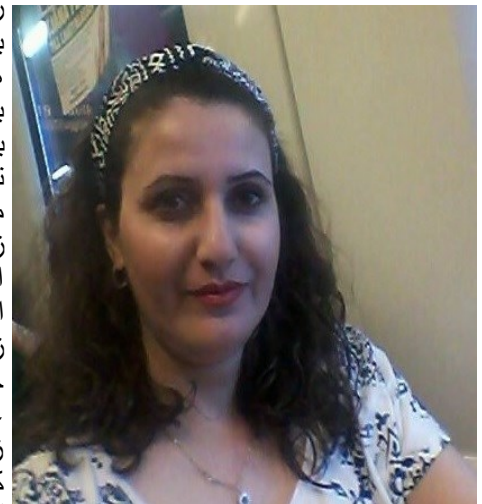
۱۷ ژوئن ۲۰۱۸

برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان با رویکرد .... ادامه ی صفحه ی 9 این جزوی از یک سند بالادستی سازمان ملل است؛ سند توسعه پایدار؛ دستهایی پشت سازمان ملل دارند برای همه چیز ملل دنیا منظومه فکری تنظیم می‌کنند. این غلط و معیوب است؛ اینها چه حقی دارند که درباره سنت کشورها اظهار نظر کنند؛ همه اش هم «باید» است.

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران بهرام قاسمی در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۶ اظهار داشت که موضع اصولی و تغییرناپذیر ایران اجرا نکردن قسمتهایی از سند ۲۰۳۰ است که با قوانین و باورهای دینی و اولویتهای ملی و ارزشهای اخلاقی جامعه ایران در تناقض است. در ۱۰ خرداد ۱۳۹۶ وزارت علوم جمهوری اسلامی ایران بیانیه‌ای بشرح زیر انتشار داد: «چارچوب اقدام آموزش ۲۰۳۰» صرفاً یک بیانیه است و در زمره پیماننامه‌ها نمی‌گنجد و الزام‌آور نیست و کشورها مطابق با ساختار ملی خود می‌توانند آن را اجرا کنند. ضمناً این بیانیه توسط هیچ کشوری امضا نشده است. علی‌رغم الزام آور نبودن سند «چارچوب اقدام آموزش ۲۰۳۰»، جمهوری اسلامی ایران باز هم نسبت به آن اعلام تحفظ رسمی و مکتوب کرده و دامنه شمول مفاد پذیرفته شده را محدود و مشروط کرده است.

سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی ایران در ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ گفت سند ۲۰۳۰ غیرقانونی است و مجلس ایران آن را تصویب نکرده است. در ۲۰ تیرماه ۱۳۹۶ طبق سند ابلاغ‌شده از سوی اسحاق جهانگیری معاون رییس‌جمهور، تمامی تصمیم‌های هیئت دولت درباره پیگیری سند ۲۰۳۰ لغو شد و چند ساعت بعد در غالب خبرگزاری‌ها، خصوصاً اخبار فضای مجازی با درج عکس سند مذکور انعکاس وسیعی پیدا کرد.

### خشونت روانی علیه زنان سحر باباسلجی



خشونت علیه زنان در همه طبقات اجتماعی، اقتصادی، نژادی، سنی و جغرافیایی یافت می‌شود. اما در برخی از گروه‌ها شایع‌تر است. خشونت بازتابی از حس پرخاشگری است. خشونت خانگی نوع خاصی از خشونت است که در سطح خانواده اعمال و منجر به آسیب یا رنج جسمی، روانی و جنسی می‌شود. در واقع خشونت تنها به خشونت فیزیکی اطلاق نمی‌شود بلکه هر نوع تحقیر، توهین، و خشونت کلامی هم به نوعی خشونت روانی محسوب می‌شود. این نوع دیگری از خشونت‌هایی است که در خانه علیه زنان استفاده می‌شود. از جمله می‌توان به دشنام و بکار بردن کلمات رکبک، بهانه‌گیری‌های پی درپی، داد و فریاد و بداخلاقی، بی‌احترامی، رفتار آمرانه و تحکم‌آمیز و دستور دادن‌های پی درپی، تهدید به آزار یا کشتن وی، تحقیر زن، قهر و صحبت نکردن و ممنوعیت ملاقات با دوستان اشاره کرد. این نوع خشونت موجب بروز روحیه پوچی یا خودنابودسازی، گریز از مشارکت اجتماعی و اضطراب در زنان می‌شود. خشونت اقتصادی: خشونت دیگری که بر علیه زنان صورت می‌گیرد، خشونت اقتصادی است. ندادن خرجی، سوءاستفاده مالی از زن و صدمه زدن به وسایل مورد علاقه او از جمله موارد خشونت اقتصادی علیه زنان برشمرده می‌شوند. به طوری که در برخی موارد زنان حتی حق دخل و تصرف در اموال خود را نیز ندارند.

خشونت جنسی: استفاده قهرآمیز بدون رضایت زن، اجبار در روابط زناشویی غیرمتعارف، عدم اجازه استفاده از وسائل پیشگیری از بارداری ناخواسته و بی‌توجهی به نیازهای جنسی زن، عدم مراعات بهداشت زناشویی، مجبور کردن به سقط جنین یا حاملگی ناخواسته، متهم کردن به بی‌مبالاتی در مسائل ناموسی، شک و بددلی از نمونه‌های خشونت جنسی علیه زنان است. زنانی که از جانب همسرانشان مورد خشونت قرار می‌گیرند پنج برابر بیشتر از سایر

زنان در معرض آسیب‌های روانی و خطر خودکشی و ۶ برابر بیشتر در معرض اختلالات روانی قرار دارند. با این حساب، بسیاری حیاتی خواهد بود که خشونت روانی به منزله خشونت پنهان مورد مبارزه قرار گرفته و کاروزار گسترده علیه آن به راه انداخته شود؛ زیرا خشونت روانی ریشه در فرهنگ و آداب و عادات ما دارد که عامل و باعث خشونت فیزیکی نیز می‌گردد. از این رو، ریشه کن کردن این موارد، بسی حیاتی و اساسی خواهد بود. انتظار می‌رود این پدیده پنهان نیز جزیی از دستورکارهای جنبش‌های مدافع حقوق زنان و سایر نهادهای مسوول قرار گیرد.



**سمینار سراسری تشکل های مستقل زنان، زنان دگر و همجنس‌گرای ایرانی"**

از تاریخ ۱۸-۲۰ ژانویه ۲۰۱۹

در شهر برلین

نامه شماره یک:

دوستان،

در ادامه بحث های سمینار سال گذشته، عنوان سمینار سال ۲۰۱۹ را "چالشها و همبستگی زنان" انتخاب کرده ایم. جنگ ها و سیاست های جنگ طلبانه نئولیبرالیسم هم چنان زندگی و امنیت ما زنان را به خطر انداخته است و حملات راسیستی، سکسیستی و بنیادگران دینی، زندگی ما زنان را با خشونت گسترده تری درگیر کرده است.

برای بحث در باره این موضوع ها از تمام پژوهشگران و فعالان مسایل زنان دعوت می کنیم برای ارائه پژوهش ها و تحقیقات خود در این سمینار شرکت کنند.

**چالش ها و همبستگی زنان:**

- سیاست های جنگ طلبانه نئولیبرالیسم

- راسیسم، سکسیسم، بنیادگرانی دینی

برای پیدا کردن راه حل در مقابل معضلات جاری به همبستگی زنان نیاز هست. بدون این همبستگی و پیوندها تغییری ایجاد نخواهد شد.

برای ارائه سخنرانی در این کنفرانس، لطفا چکیده تحقیق خود را تا ۱۵ اکتبر ۲۰۱۸ به ایمیل ما ارسال کنید.

خوشحالیم که بار دیگر زنان برلین میزبان سمینار آینده خواهند بود.

ایمیل ما:

[Seminar2019-Berlin@googlegroups.com](mailto:Seminar2019-Berlin@googlegroups.com)

کمیته برگزار کننده سمینار ۲۰۱۹ در شهر برلین  
جولای ۲۰۱۸

**با سپاس از ارسال مطلب برای درج در ماهنامه رهائی زن توجه شما را به نکات زیر جلب مینمایم**

سیاست ماهنامه رهائی زن در قبال مقالات و مطالب دریافتی به قرار زیر است:

1. صرفا مطالب و مقالاتی برای درج در نشریه بررسی میشوند که بنحوی به مسئله بیحقوقی و مبارزات زنان و کودکان مرتبط باشد.
  2. فقط مقالات آرژینال برای انتشار پذیرفته میشوند و نویسنده متعهد میشود تا پس از انتشار نشریه، مطلب مورد نظر را در سایت ها و یا نشریه های دیگری به چاپ نرساند.
  3. انعکاس مطالب و مقالات در سایتها یا نشریات دیگر صرفا با ذکر ماخذ . نویسنده مقالات نیز شامل این تعهد می شود.
  4. از آنجا که نشریه رهائی زن مستقل و در راستای آزادی و رهائی و برابری است و برای آزادی و رهائی هر انسانی تلاش می کند. چاپ مقالاتی که تبلیغ مذهب، ملیت ، قومیت را می کند . در نشریه منتشر نخواهد شد.
  5. مقالات دریافتی نباید از یک صفحه A4 با فونت 12 کمتر باشند و نباید بیشتر از 3 صفحه باشد.
  6. مطالب و نوشتارها تنها در فرمات مایکروسافت وورد Word پذیرفته میشوند.
  7. نشریه رهائی زن بنا به تشخیص خویش مقالات و مطالب منتشره دیگر رسانه ها را با ذکر ماخذ منتشر خواهد کرد.
  8. به دلایل محدودیت صفحات نشریه، مطالب ارسالی بنا به تشخیص اولویت بندی خواهد شد و در مطالبی رسیده باقی مانده در نشریه شماره های بعدی چاپ خواهد شد.
- با سپاس از مشارکت شما در غنی بخشیدن به ماهنامه رهائی زن

مدیر مسئول نشریه

سردبیر

شراره رضائی

مینو همتی



**استمداد مادر سهیل عربی و افشای توطئه و طرح کثیف دستگاه قضاییه**



مادر زندانی سیاسی سهیل عربی روز گذشته شنبه ۶ مرداد ماه ۹۷ از فشار و آزار و اذیت فرزندش توسط مأموران زندان و دستگاه قضاییه خبر داد.

به گزارش کانون حقوق بشری به به زندان - نه به اعدام، خانم فرنگیس مظلوم ضمن استمداد از مجامع حقوق بشری اعلام کرد که دستگاه قضاییه قصد دارد زندانی سیاسی سهیل عربی را از طریق خوراندن یکسری دارو ها به وی، تحت عنوان بیمار روانی او را به تیمارستان امین آباد منتقل کنند.

مادر سهیل عربی از قول هم بندگان سهیل گفت زندانبانان می‌خواهند با تزریق آمپول و خوراندن قرص کاری کنند که او روانی شود و به امین آباد ببرند. در آنجا هم ممکن است آمپول هایی به او تزریق کنند که یا حافظه اش را از دست بدهد و یا روانی شود. یکی از هم‌بندیمان سهیل عربی طی تماسی به خانم فرنگیس مظلوم گفت سهیل در زندان حق حرف زدن با کسی را ندارد و نمی‌تواند تماس بگیرد.

**افزایش کودکان بی سرپرست از معضلات مهم بهزیستی است**



معاون امور اجتماعی اداره کل بهزیستی خراسان رضوی افزایش کودکان بی سرپرست را از مهمترین معضلات بهزیستی اعلام و بیان کرد: روزانه بین یک تا سه کودک بی سرپرست تحویل بهزیستی در این استان می‌شوند که بعضا شیرخواران رها شده هستند.

به گزارش تابناک رضوی؛ معاون امور اجتماعی اداره کل بهزیستی خراسان رضوی افزایش کودکان بی سرپرست را از مهمترین معضلات بهزیستی اعلام و بیان کرد: روزانه بین یک تا سه کودک بی سرپرست تحویل بهزیستی در این استان می‌شوند که بعضا شیرخواران رها شده هستند. افزایش کودکان بی سرپرست از معضلات مهم بهزیستی است.

غلامحسین حدفادی روز چهارشنبه در گفت و گو با خبرنگار ایرنا افزود: پارسال 880 شیرخوار، کودک و نوجوان بی سرپرست یا بدسرپرست تحویل بهزیستی در خراسان رضوی شدند که نیمی از آنها کودکان با سن کمتر از دو سال هستند.

وی ادامه داد: شمار شیرخواران بی سرپرست پارسال نسبت به سال پیشتر 50 درصد بیشتر شد. طی اردیبهشت امسال نیز 60 شیرخوار در مرکز نگهداری بهزیستی خراسان رضوی پذیرش شده اند که این رشد بالایی نسبت به گذشته دارد.

معاون اداره کل بهزیستی خراسان رضوی 30 درصد نوزادان تحویلی را رها شده و بی سرپرست اعلام و بیان کرد: بقیه شیرخواران تحویلی دارای والدین هستند ولی قاضی صلاحیت آنان را برای سرپرستی احراز نکرده است.

**اقدام به خودکشی دختر ۹ ساله در آبادان به دلیل آزار و اذیت پیرمرد همسایه**

یک دختر ۹ ساله آبادانی به دلیل مورد آزار و اذیت قرار گرفتن از سوی پیرمرد همسایه با خوردن تعداد زیادی قرص دست به خودکشی زد. این به زندگی اش اقدام به خوردن قرص‌های زیاد کرد. این خودکشی اما نافرجام بوده و دختر بچه زنده است. سایت رکنا



که اخبار حوادث را پوشش می‌دهد، گزارش کرده است که عصر روز پنجشنبه ۲۸ تیر به دنبال تماس مسئولان بیمارستان خمینی آبادان در استان خوزستان، ماموران پلیس در جریان ماجرای اقدام به خودکشی یک دختر بچه ۹ ساله قرار گرفتند. بر اساس این گزارش دختری به نام نیلوفر در منطقه کوی قدس با خوردن قرص اقدام به خودکشی کرده بوده که با تلاش پزشکان از مرگ نجات پیدا کرده است. به دنبال انجام تحقیقات ماموران دریافته‌اند که پدر نیلوفر سال‌ها قبل مرده است و او همراه مادرش زندگی می‌کند. این دختر خردسال در بازجویی‌ها به ماموران پلیس گفته است: «پیرمرد همسایه‌ام با کتک‌کاری قصد آزار و اذیت مرا داشت و حتی توانست لباس‌هایم را از تنم در آورد اما با مقاومت و سر و صدا توانستم از دست مرد همسایه فرار کنم.» او گفته است از ترس و شوکی که به او وارد شده تصمیم گرفته خودکشی کند و اقدام به خوردن قرص کرده است. با گذوده شدن پرونده آزار و اذیت نیلوفر در اداره پلیس، ماموران برای تحقیق وارد عمل شده‌اند اما اثری از پیرمرد همسایه نیافته‌اند. آزار و اذیت جنسی کودکان در ایران در ماه‌های گذشته خیرسازتر از قبل بوده است و در چند مورد به اعدام افراد آزارگر و متجاوز منجر شده است. در یک مورد مجرم خود یک کودک زیر ۱۸ سال بود و اعدام او با اعتراض نهادها و سازمان‌های حقوق بشری روبه‌رو شد.

**مختومه شدن پرونده اسیدپاشی های اصفهانی‌دون پیداکردن متهم؛**



وکیل مدافع قربانیان اسیدپاشی‌های اصفهان از مختومه شدن این پرونده بدون پیدا کردن متهم یا متهمان آن خبر داد و گفت دبه قربانیان این حادثه از صندوق دبه بیت المال با حکم دادگاه پرداخت شده است.

حسین عباس علیزاده در گفت‌وگو با خبرنگاری ایسنا، گفت اگر زمانی متهم یا عاملان این پرونده شناسایی و دستگیر شوند، رسیدگی قضایی انجام خواهد شد. سال ۱۳۹۳ پس از بیان اظهارات انتقادی علیه بی‌حجابی از سوی امام جمعه اصفهان، به صورت دست‌کم چهار نفر از زنان و دختران در این شهر اسیدپاشی شد. وقوع این اتفاق منجر به برگزاری تجمعات اعتراضی در شهر اصفهان شد. از آن زمان تاکنون مسئولان قضایی و امنیتی از پیگیری این پرونده و تلاش برای دستگیری متهمان آن صحبت کرده‌اند.

مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهایی زن را می

توانید از طریق آدرس های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.de/>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.de/>

برنامه های تلویزیونی و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv/>

تلگرام رهایی زن

@rahaizan

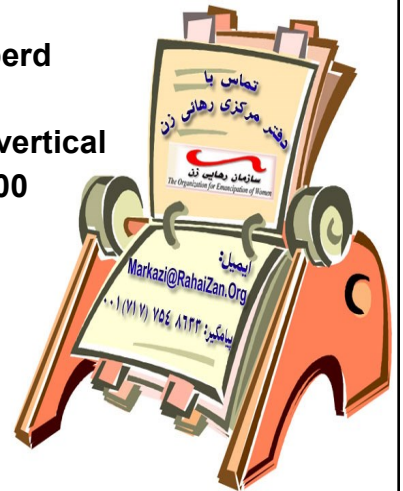
تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته

دو شنبه ساعت 20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به

وقت تهران می توانید پهنده تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd  
HoT BIRD  
Frequency 11541 vertical  
Symbol Rate: 22000  
Pol V  
FEC 5.6



## برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهایی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: [motiei\\_rojan@yahoo.com](mailto:motiei_rojan@yahoo.com)

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: [firouzeh.farrahi@yahoo.com](mailto:firouzeh.farrahi@yahoo.com)

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دوماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلایر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: [MinoHemati@GMail.com](mailto:MinoHemati@GMail.com)

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ: وریا نقشبندی

تلفن تماس: 0046705827583

0046705827583

ایمیل: [verya.1360@gmail.com](mailto:verya.1360@gmail.com)

سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: [sara\\_tina2003@yahoo.com](mailto:sara_tina2003@yahoo.com)

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 004915226282583

ایمیل: [Shararehzaei.p@googlemail.com](mailto:Shararehzaei.p@googlemail.com)